

بررسی مفهوم و معنای زندگی و مرگ و جنبه‌های گوناگون آن در سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن

محمد رضا رجب‌نژاد^{۱*}، سعید رجب‌نژاد^۲، امیر مهدی طالب^۱، غلامرضا کردافشار^۳، ابراهیم حاجی^۴

^۱ گروه طب و دین موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۲ دانشگاه همدرد، دهلی نو، هند

^۳ گروه طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۴ مرکز تحقیقات طب و دین، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله، تهران، ایران

* Corresponding author: Mohammad Reza Rajabnejad, Research Institute for Islamic and Complementary Medicine, Tehran, IR Iran.

E-mail: m-rajabnejad@tums.ac.ir.

Received: 18 Aug 2012; Revised: 10 Sep 2012; Accepted: 20 Sep 2012

مقدمه: موضوع چگونه زیستن و سبک زندگی برتر از سوال‌های اساسی است که در طول عمر بشر، از آغاز دنیا و تا پایان آن، مطرح بوده و خواهد بود. هر فرد و گروهی به این موضوع علمی، از منظری نگریسته است که هدف زندگی چیست و زندگی سالم، چه ویژگی‌هایی دارد.

اهداف: موضوع سبک زندگی اسلامی از موضوع‌های بسیار مهمی است، که همه ادیان الهی و حتی مکاتب بشری را به خود مشغول کرده است. همه مکاتب الهی و بشری، ادعای عرضه الگوی سبک زندگی برتر را دارند. بشر گرفتار دود و آهن، به موازات رشد تکنولوژی، در این آشفته بازار مکاتب در سرگردانی و حیران بسر می‌برد. در این میان، اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی سبک زندگی نوینی به بشریت ارائه می‌دهد که از آن به «حیات طیبه» یاد می‌کند. در این نوشتار تلاش شده است از منظری نو به این مهم نگریسته شود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش، به روش بررسی کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک در موضوع سبک زندگی و حیات طیبه به ویژه آیات و روایات پرداخته است.

یافته‌ها: واقعیت این است که انسان اسیر مدرنیته و تکنولوژی از سبک زندگی سالم که فطرت آدمی خواهان آن است، دور افتاده است. از این رو، بشریت علیرغم پیشرفت شگفت‌انگیز در علم و دانش گرفتار بیماری‌های روحی و جسمی جدید و متنوعی است که در گذشته کمتر و یا اصلاً دچار این بیماری‌ها نبوده است. این در حالی است که می‌شود از تمدن صنعتی بهره‌مند شد و در عین حال در سبک زندگی مطلوب اسلامی که در آن جسم و روان سالم باشد به سر برد.

بحث و نتیجه‌گیری: نقشه جامع علمی سلامت، آن‌گاه جامع و عمیق و ماندگار خواهد بود که مبتنی بر سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت باشد.

کلمات کلیدی: سبک زندگی؛ سلامت؛ اسلام

کاربرد در زمینه سیاست‌های بهداشت و درمان/پژوهش و آموزش پزشکی: اصلاح زندگی و نوع نگاه به زندگی و هدفدار کردن آن.

۱- مقدمه

آنان سیره ندارند» (۱). زندگی پاک و آراسته به زیبایی‌ها و ارزش‌ها و به دور از انحراف‌ها و ناراستی‌ها و زشتی‌ها، زمینه بخشش و احسان خداوندی را فراهم می‌سازد و سبب پدید آوردن حیات طیبه می‌شود. پرسش مهم این است که ویژگی‌های فرد و جامعه‌ای که قرآن از آن به «حیات طیبه» (۲) تعبیر می‌کند چیست که ارزش‌های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی، را دارا باشد و علاوه بر زندگی پاک در دنیا، سعادت اخروی را نیز در پی داشته باشد.

همه انسان‌ها در این جهان، روز را به شب و شب را به روز می‌رسانند و گذر زمان، عمر همه را قیچی می‌کند. اما زندگی انسان‌ها در این گذر زمان از جهت کیفیت، با هم متفاوت است. هر فرد و جامعه‌ای به گونه‌ای می‌اندیشد. گاه از نوع اندیشیدن خود هیچ‌گونه قانون و معیاری ندارد و دچار نابسامانی فکری می‌شود. به عبارت دیگر «همه مردم سیر دارند ولی همه

The translated version of: <http://dx.doi.org/10.5812/ilch.9177>

Copyright © 2013, Quran & Etrat Center, The Ministry of Health and Medical Education; Licensee Kowsar Ltd. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/3.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

نقش انسان در هستی، رسیدن به کمال و رشد و بازگشت به عبودیت است. «وَمَا أَمْرُو إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا» (۹) مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست. پر واضح است، عبادت به معنای عام آن، شامل تمام رفتارهای نیکوکارانه نیز هست. در عین حال باید توجه داشت که از نظر قرآن، هستی، ماده، انرژی و قوانین موجود در طبیعت، همه نیازمند و محکوم‌اند و از یک سو حاکمی را نشان می‌دهند که بی‌مانند و بی‌نیاز و یگانه (۱۰) و نامحدود (۱۱) است. این ویژگی، پروردگار نظام هستی را از همه موجودات، متمایز می‌سازد. سبک زندگی پیشنهادی قرآن که سرشار از معنویت است، به (حیات طیبه) (۱۲)، (سعادت)، (فلاح) (۱۳-۱۵) و (فوز) (۱۶-۲۱) اشاره کرده است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً» (۶) هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات بخشیم. «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۱۴) و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید. «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْقَوْمُ الْعَظِيمُ» (۲۲) خدا از آنان خشنود است و آنان از او خشنودند این است رستگاری بزرگ.

بی‌گمان رضایتمندی از خداوند و آنچه او تقدیر نموده، مقام رفیعی است که اولیای الهی خواهان آنند. «وَرَضِنَا مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي» (۲۳). هر فرد به عنوان موجود زنده، چه هدف و سبک زندگی را باید در زندگی خویش بگیرد؟ در تعریف فایده زندگی گفته می‌شود که فایده یعنی تأثیری که عضوی از یک مجموعه می‌گذارد، به گونه‌ای که این تأثیر، برای عضو دوم بهنجار و مطلوب است. به عنوان مثال: خورشید برای من مفید است زیرا تأثیر مطلوب و بهنجاری بر حیات من دارد.

در مورد معنا و هدف و فایده زندگی لازم است دو موضوع از یکدیگر تفکیک گردد. گاه مراد از معنای زندگی، هدف زندگی است و گاه مراد از آن، فایده زندگی است. این دو با هم متفاوت می‌باشد. گاه هدف، به موجودی که دارای علم و اراده است نسبت داده می‌شود و گاه به موجودی که فاقد علم و اراده می‌باشد. موجود صاحب علم و اراده در یکایک کارهای آگاهانه‌ای که انجام می‌دهد، رسیدن به چیزی را در نظر دارد که به آن هدف می‌گوییم. وقتی گفته می‌شود هدف چیست، مراد این است که سازنده این موجود چه هدفی از ساختن آن داشته است. به این هدف، هدف خارجی گفته می‌شود. یعنی هدفی که در باطن و درون خود این شی نیست بلکه در خارج اوست. یعنی در ذهن و ضمیر سازنده اوست.

۱-۳- معنای زندگی و حیات

همان‌گونه که حقیقت «وجود» در خور شناساندن نیست، حقیقت «حیات» نیز قابل تعریف دقیق نیست. به همان نسبت که وجود، مراتب شدید و ضعیف و شدیدتر و ضعیف‌تر دارد، حیات نیز واژه‌ای است دارای مراتب متنوع و گوناگون که هر پدیده‌ای در این عالم به اندازه گسترش

سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت. ۱۳۹۲؛ (۱۳).

در طول تاریخ هیچ‌گاه انسان فارغ از اندیشه و آرزوی بهتر زیستن فارغ نبوده و همواره برای دست یافتن به زندگی بهتر و سامان یافته‌تر در تلاش بوده است. این آرزو برای هر فردی در جامعه به گونه‌های مختلف جلوه می‌نماید. آشکارترین نمود و مصداق آن را در اندیشه ایجاد (مدینه فاضله) (۳-۵) می‌توان یافت. این ذهنیت و باور بهشت موعود زمینی را به انسان‌ها نوید داده و هر یک از دانشمندان بزرگ تاریخ را به ترسیم آن، واداشته است. در ادیان الهی نیز، این هدف و آرزو را پیامبران به گونه‌ای روشن بیان کرده‌اند و پیروان آنان، همواره بر آن بوده‌اند، تا جامعه‌ای ایده‌آل و پیشرو در همه زوایای زندگی بسازند. قرآن کریم یکی از آثار عمل صالح را زندگانی پاک و پاکیزه بیان می‌کند زندگی بدون اضطراب و آلودگی که در سایه ایمان حاصل می‌شود (۶).

در قرآن حدود صد آیه در مورد زندگی و هدف آن تذکر داده است. به نظر می‌رسد آن‌گونه که این سؤال‌ها ذهن گذشتگان ما را به خود مشغول کرده بود امروز با پیشرفت علم و صنعت و گسترش روابط انسان با طبیعت این سؤال‌ها مانند گذشته جدی مطرح نمی‌شود و از اهمیت آن کاسته شده است. این در حالی است که دگرگون شدن چهره زندگی و پیچیدگی روابط ضرورت این سؤال را که هدف زندگی و بهترین سبک زندگی چیست را دوچندان می‌نماید. برخی از روشنفکرانها در پاسخ به این سؤال‌ها، به جای پرداختن به اصل موضوع ادعا می‌کنند که منبع آب وجود ندارد و یا منبع آب تمام شده است و پوچی زندگی را فرا گرفته است.

۲- اهداف

سبک زندگی اسلامی یکی از موضوع‌های بسیارمهم است که همه ادیان الهی و حتی مکاتب بشری را به خود مشغول کرده است. همه مکاتب الهی و بشری، ادعای عرضه الگوی سبک زندگی برتر را دارند. بشر گرفتار دود و آهن به موازات رشد تکنولوژی در این آشفته بازار مکاتب، در سرگردانی و حیران بسر می‌برد. در این میان، اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی، سبک زندگی نوینی به بشریت ارائه می‌دهد که از آن به عنوان «حیات طیبه» یاد می‌کند. در این نوشتار تلاش شده است از منظری نو به این مهم نگریسته شود.

۳- مواد و روش‌ها

برای یافتن معنای زندگی از نگاه رسول خدا، باید به جهان‌بینی قرآن توجه نمود. برای مثال، در قرآن به این موارد بر می‌خوریم: هستی، بیهوده و عبث آفریده نشده است. «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (۷) و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای. انسان موجودی دارای کرامت است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (۸) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

هر چند به ظاهر، معنای زندگی برای وجودی‌اش از آن بهره‌مند است. همگان روشن است اما باید اعتراف نمود که حقیقت و ماهیت زندگی برای بشر ناشناخته است، اما آثار و نمودهای حیات در جهان آفرینش از هر چیزی نمایان‌تر می‌باشد. از این رو، با شناخت آثار و اقسام حیات، بهتر می‌توان به مفهوم و حقیقت آن دست یافت. در نگاه نخست، به هر پدیده‌ای که دارای نیروی ربایش باشد، می‌توان نام زندگی نهاد، اما با ریزبینی و ژرفنگری، زندگی نباتی، معلوم می‌شود که زندگی، معنای گسترده‌تری از این دارد. زندگی حیوانی، زندگی معنوی، زندگی فکری و عقلانی از نمودهای حیات است که هر کدام مفهوم و معنای ویژه خود را دارند. حیات نباتی به معنای شادابی و سرسبزی است. حیات حیوانی به معنای پویایی و جنب و جوش و حیات انسانی به معنای هدفمند بودن زندگی و در مسیر فطرت و سرشت و در راستای عقل سلیم قرار گرفتن آن است. حیات اجتماعی به معنای احساس مسئولیت نسبت به آماده‌سازی جامعه و آرایش آن به زیبایی‌های معنوی و شکوفاسازی استعدادها، خردها و بارور ساختن سرشت و سرمایه وجودی انسان‌ها می‌باشد. در قرآن از زندگی به این معنی بسیار سخن به میان آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» (۲۴). ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید.

۳-۲- مفهوم حیات و موت در قرآن کریم

از نظر اسلام حرکتی زندگی آفرین است که در چارچوب وحی و رسالت قرار گیرد و هرگونه کوششی که در این مسیر نباشد مرده و از زندگی حقیقی بی‌بهره است. «أَوْ مِنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (۲۵) آیا کسی که مرده بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود. هر فرد و جامعه‌ای که از حق می‌گریزد و در مسیر شیطان و شیطنت می‌افتد، آثار و نشانه‌های حیات را از دست داده و به جمع مردگان پیوسته است. هرچند به ظاهر زنده است و زندگی می‌کند «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الدُّعَاءَ إِذَا وُلِّوْا مُدْبِرِينَ» (۲۶) البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی و این ندا را به کران چون پشت بگردانند نمی‌توانی بشنوائی. حضرت امیرانسان‌های بی‌تعهد و بی‌تفاوت را مردگان زنده‌نما نامیده است. «فَذَالِكُمْ مِيتَ الْآحْيَانِ» (۲۷).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همنشینی، با صاحبان ثروت‌های باد آورده را که زندگی آنان براساس اسراف و تبذیر، تجمل و تشریفات شکل گرفته است، همنشینی با مردگان دانسته و به پیامدهای ناگوار آن از جمله دل‌مردگی اشاره کرده است. «اربع يُمِيتِن الْقَلْبَ ... مجالسه الموتی فقیل له: یا رسول الله و ما الموتی؟ قال: کل غنی مترف» (۲۸) چهار موضوع از اسباب مرگ دل است، از آن جمله، همنشینی با مردگان گفته‌شد ای پیامبر! مردگان چه کسانی هستند؟ فرمود: هر ثروتمند خوش‌گذران. بنابراین، مفهوم

و معنای زندگی مرده و زنده در فرهنگ دینی بسیار گسترده و فراگیر است. برای دستیابی به سبک زندگی اسلامی لازم است خود زندگی در قرآن مورد بررسی قرار گیرد. در قرآن زندگی مانند بسیاری از موضوع‌های دیگر تعریف نشده است. از این رو، واژه حیات (زندگی) مورد تعریف قرار نگرفته است. تعریف زندگی، به خود انسان محول شده است. معرفت انسان در زندگی دنیا به مجرد حرکت و احساس شروع می‌شود. «أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (۲۹) آفرینشی دیگر پدید آوردیم آن‌گاه دارای روحی می‌گردد. «مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (۳۰) حال این انسان می‌تواند از ملک‌پران شود و آنچه اندر و هم نابدآن شود و نیز می‌تواند بدتر از حیوان شود. ایمان، حیات و زندگی است و کفر، موت و مرگ است. انسان در این جهان دو تولد دارد: تولد غیر اختیاری و تولد اختیاری. تولد اول، طبیعی و غیر اختیاری است و تولد دوم که اختیاری است، تولد معنوی و ولادتی ملکوتی و ایمانی است. عارفان به این نوع از تولد «ولادت ثانیه» گویند. در آیات فوق، به همین تولد اشاره شده است. هر زندگی و حیات منوط به ولادتی است. تا قبل از ایمان آوردن، شخص مرده است و آنگاه که ایمان آورد، تولد جدیدی پیدا می‌کند. این تولد، تولد انسانی و الهی و حقیقی است که در روایات از آن به «روح ایمانی» یاد می‌شود. تا قبل از ایمان، روح آدمی حیوانی است. با ولادت معنوی انسان، روح انسانی در او پدید می‌آید. از حضرت عیسی علیه السلام نقل است که فرمود: «لن یلج ملکوت السموات من لم یولد مرتین» (۳۱) محال است که شخص به ملکوت آسمان‌ها راه یابد، بدون آن که دو مرتبه متولد شده باشد. انسان بدون ایمان حیوان دو پا است و انسانی که فطرت الهی خود را خاموش کرده است و ولادت ملکوتی خود را ضایع کرده است، از هر حیوان بدتر است. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (۳۲) آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. «وَمَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (۲۵). آیا کسی که مرده بود و او را حیات بخشیدیم و برایش نوری قرار دادیم که در بین مردم با آن نور حرکت کند همانند کسی است که در ظلمات گرفتار آمده و قادر به خروج از آن نیست؟

در برخی آیات، خطاب به رسول خدا می‌فرماید: برای هدایت دسته‌ای از کافران تلاش نکن زیرا آنها مرده‌اند و مرده نمی‌شنود: «فَأِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى» (۳۳) و در حقیقت تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی. «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ» (۳۴) در گورهایند نمی‌توانی شنوا سازی.

۳-۳- چپستی و هدف زندگی

هدف زندگی، آن حقیقتی است که آگاهی و اشتیاق به دست آوردن آن «و محرک انسان به سوی انجام رفتاری است که آن حقیقت قابل دستیابی و وصول باشد». هر هدفی چهار جنبه دارد:

۴-۱-۲- زندگی معمولی نمی‌تواند، آرمان و ایده‌آل نهایی تلقی شود، زیرا در عین زیبا بودن، حقیقتی است ابتدایی

«وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (۳۹) و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ» (۴۰) و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

«فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (۴۱) متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست.

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ» (۴۲) این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست.

«يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ» (۴۳) ای قوم من این زندگی دنیا تنها کالایی است.

۴-۱-۳- مقدار دانش انسان حتی درباره حیات طبیعی، بسیار ناچیز است و آدمی جز ظاهر و صورتی از آن چیزی نمی‌داند، چه رسد به حیات حقیقی

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (۴۴) از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند اینان هدف «فلسفه هستی» را از همین زندگی دنیا طلب می‌کنند و شاید نقص دانش انسان نسبت به زندگی معمولی معلول اختلاط بازیگری و تماشاگری اوست که معرفت آدمی را درباره حیات معمولی متزلزل و بی‌ثبات می‌گذارد.

۴-۱-۴- تشبیه حیات از افق قرآن

«وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا» (۴۵) و برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و چنان خشک گردید که باها پراکنده‌اش کردند و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. نظیر این مَثَل در سوره یونس، نیز آمده است: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَعْنُ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (۴۶) در حقیقت مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم پس گیاه زمین از آنچه مردم و دامها می‌خورند با آن درآمیخت تا آنگاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند شبی یا روزی فرمان ویرانی ما آمد و آن را چنان در ویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است این گونه نشانه‌های خود را

الف) جنبه درون ذاتی: مربوط به یکی از جهات ملایم با طبیعت انسانی است و مورد آگاهی و اشتیاق او قرار می‌گیرد.

ب) جنبه برون ذاتی: این همان وجود واقعی هدف است و وصول به آن، مطلوب آدمی است. هر کار هدفدار، از آگاهی و اشتیاق به هدف آغاز می‌شود و پس از انجام کارهای مربوط در وصول به هدف واقعی که در بیرون از ذات انسانی وجود دارد پایان می‌پذیرد.

ج) هدف در همه موارد حقیقتی است خارج از موقعیت فعلی انسان که شیء مفروض را برای خویشتن، هدف قرار دارد.

د) جبری و اختیار وصول به هدف: گاه هدف، خارج از اختیار فعلی انسان است. مثل اینکه هدف در جهت مجرای قوانین طبیعی و یا اعمال دیگر انسان‌ها قرار گرفته است. مانند فرا رسیدن فصل معین برای بارور شدن درختان و یا عملی شدن قراردادهایی که با دیگر انسان‌ها برای وصول به هدف مزبور ضرورت دارد. گاه رسیدن به همان هدف در موقع معین، بدون رسیدگی مناسب باغبان به درختان عملی نخواهد گشت. باید توجه داشت که قرار گرفتن یک شیء به عنوان هدف برای انسان، از جنبه اختیاری انسان است نه جنبه جبری آن.

۴- یافته‌ها

۴-۱- جنبه‌های گوناگون زندگی از دیدگاه قرآن

۴-۱-۱- خداوند متعال در قرآن، زندگی جاری معمولی در این دنیا را، ابتدایی و مرحله پست می‌شمارد

این نکته در ۶۹ آیه قرآن، تذکر داده است و با تعبیر «الحیوة الدنیا» که به معنی زندگی ابتدایی و پست می‌باشد وارد شده است. گاه زندگی، بدون صفت دنیا وارد شده است که دو مورد، بدون الف و لام می‌باشد: «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ» (۳۵) و آنان مسلماً آزمندترین مردم به زندگی هستند. «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (۳۶) و ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی باشد. «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ» (۳۷) گفت پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که به هر که نزدیک تو آمد بگویی به من دست مزنیذ. «الف و لام» در حیات به معنای حضوری و اشاره به مشهود است که همگان آن را می‌بینند و نه به معنای تعظیم از حیات می‌باشد. «إِذَا لَأَذِقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ» (۳۸) در آن صورت حتما تو را دو برابر در زندگی و دو برابر پس از مرگ عذاب می‌چشانیدیم. مقصود از «الف و لام» در الحیوة مانند آیه فوق، همان معنای مشهود است. صفت ناچیز و ابتدایی را، به همین حیات معمولی که از ماده برخاسته است، منتسب می‌سازد و این حیات، اسیر ماده و دائماً به آن گلاویز است.

برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم. موضوعی در این دو سوره مشترک است و آن اینکه ریشه اساسی «حیات و زندگی»، به مناسبت انتساب «آب به علو» مقام خاصی در خلقت دارد؛ مانند این است که خداوند می‌فرماید: نیروی حیات یک پدیده آسمانی است. ممکن است منظور تن‌ها این باشد که به وجود آمدن حیات انسان شبیه به پدیده رویدن گیاهان زمین به وسیله آب است. گیاهان به وسیله آب سر برمی‌آورند. ضمن اینکه این دو آیه در دو سوره به نکته‌های دیگری نیز اشاره دارد: الف) جریان ناپایدار زندگی را در مقابل عوامل نابودکننده متذکر می‌شود (۴۵).

ب) دخالت مستقیم خداوند را در نابود کردن آن رویدادهای زیبا، بیان می‌دارد. در آیه دیگر نسبت به زندگی چنین تشبیه می‌کند (۴۶):
 «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَنْعَفَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (۴۰)
 بدانند که زندگی دنیا در حقیقت بازی، سرگرمی، آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است مثل آن‌ها چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن باران به شگفتی اندازد سپس آن کشت خشک شود و آن از زردبینی آنگاه خاشاک شود و در آخرت دنیاپرستان را عذابی سخت است و مؤمنان را از جانب خدا آموزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست. هر سه تشبیه در آیه شریفه در عین سادگی که قابل فهم برای عموم است، چگونگی زندگی انسان‌ها و جوش و خروش و نمایش‌گری و سپس نابود شدن آنها را مانند کف‌های ناچیز توضیح می‌دهد. فلسفه این زندگی که مرکز جوش و خروش و غرور است در این خاک تیره می‌باشد. اما اگر کسی به «خود و من عالی انسانی» دست یابد همین زندگی دنیوی سبب عروج او می‌شود. اگر انسان از حیات طبیعی بالاتر رود، خودش دوباره ساخته می‌شود و جهان سیمای دیگری به او نشان می‌دهد. باید دانست که حیات طبیعی از نظر قرآن نمی‌تواند انسان را به هدف اصلی خود برساند. مگر اینکه در این جهان طبیعت، عالم دیگری بسازد.

۴-۱-۵- اگر زندگی دنیا، محل گذر است، پس چرا خداوند آفرید؟

زیرا اگر انسان بتواند در زندگی دنیاغوطه‌ور نشود و آن را به عنوان بهترین گذرگاه برای زندگی واقعی بداند، در عالی‌ترین هدف «من انسانی» قرار می‌گیرد «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْخَيْرَاتُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (۴۲) و زندگی حقیقی همانا در سرای آخرت است ای کاش می‌دانستند. آیا چنین اعتلایی در دنیا ممکن است؟ آفرینش این نظام هستی از یک سو بی‌نهایت و

باعظمت و برای رسیدن به این درجه است. «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ خَبِيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (۴۷) تا هر که را دلی زنده است بیم دهد و گفتار خدا در باره کافران محقق گردد. کسانی که در این جهان طبیعت، پیرو عقل و وجدان و پیام انبیاء باشند، در همین زندگی دنیا به زندگی حقیقی می‌رسند این نوع زندگی دارای فلسفه و عقلانیت است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (۶) هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات حقیقی بخشیم. «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ خِيَ عَنْ بَيِّنَةٍ» (۴۸) تا کسی که باید هلاک شود با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که باید زنده شود با دلیلی واضح زنده بماند. منظور قرآن از هلاکت و زندگی معنای طبیعی آن نیست بلکه همان حیات معمولی در مقابل حیات حقیقی است که در همین زندگانی با اتخاذ روش خود انسان تعیین می‌گردد. «أَوْ مَنْ كَانَ مِنَّا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا» (۲۵) آیا کسی که مرده‌دل بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید. بنابراین بدون پذیرش پیام انبیاء حیات و زندگی معنا ندارد. از این رو، زندگی و حیات معمولی در منطق قرآن ماده خام حیات واقعی است که باید انسان آن را به دست بیاورد. پس فلسفه و هدف حیات، خود همان حیات است که از مرحله معمولی تجاوز می‌کند و به مراحل عالی‌تر می‌رسد و باز به تکاپو و عبور خود از مراحل والاتر ادامه می‌دهد تا به حوزه جاذبه ربوبی واصل گردد. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۵۰) طبق این آیه، بگو در حقیقت نماز من و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است. این است هدف زندگی انسان در این دنیا که خداوند آن را عبادت و بندگی نامید (۵۱).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف زندگی در این جهان پر فراز و نشیب، تجربه اندوختن، پخته شدن و کمال انسانی و الهی در آزمون‌های بزرگ زندگی و در پرتو کوشش طاقت فرسا برای رسیدن به مطلوب و محبوب حقیقی است. چرا که در پرتو همین کوشش‌ها است که استعدادها و توانایی‌های او فرصت ظهور و شکوفایی می‌یابد و به هدف خویش بال می‌گشاید. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (۵۲) ای انسان حقا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.

- حیات طیبه، سعادت، فوز و فلاح در زندگی دنیوی کوتاه انسان دست یافتنی است و کم نبودند انسان‌هایی که در همین زندگی دنیوی به آن نایل آمدند. و در نتیجه باید زمینه آن را فراهم آورد.
 - در قرآن حدود ۱۰۰ آیه در مورد زندگی و هدف آن آمده است و این نشانگر اهمیت موضوع زندگی در قرآن می‌باشد.
 - حقیقت این است که تعریف زندگی از موضوع‌های پیچیده می‌باشد. زیرا تعریف حقیقت «زندگی» به طور دقیق دشوار است. چراکه «زندگی» مانند «وجود» دارای مراتب شدت و ضعف و تنوع و گوناگونی است.
 - دیدگاه اسلام در موضوع «زندگی» و «زنده و مرده» متفاوت با نظریه پردازان مادی و غیر الهی است. ایمان و عمل صالح، زندگی است و فرد غیر مومن مرده است.
 - آشفتگی و سرگردانی و انواع بیماری‌های روحی و روانی انسان در جهان مدرن ناشی از فقدان ایمان او و دست برداشتن از خدا و دین (۵۳) و دوری از سبک زندگی انسانی و الهی است.
- تشکر و قدردانی**
بیان نشده است.
- میزان مشارکت نویسندگان:**
بیان نشده است.
- تضاد منافع:**
بیان نشده است.
- پشتیبانی مالی:**
بیان نشده است.

برای مشاهده منابع این مقاله، به متن انگلیسی مراجعه شود.